اهتمام بر وحدت و تقريب از وظايف امّت اسلامى در قرن بيست و يكم

اهتمام بر وحدت و تقريب از وظايف امّت اسلامى در قرن بيست و يكم

ابوبكر خوجعلى

بسم ا الرحمن الرحيم

الحمد الذي جعل عزّة المسلمين في التعايش والاتحاد وجعل فشلهم وذهاب شوكتهم في التنازع والاختلاف، والصلاة والسلام على النبي الذي بُعث لاتمام مكارم الاخلاق والنهض لرفع العصبية والفخر بالآباء والانساب وعلى آله واصحابه الذين سلكوا طريقه و نصروه بالسمع والطاعة والجهاد، وبعد قال ا تعالى في كتابه الحكيم: اعوذ با من الشيطان الرجيم: Pوَلاَ تَنَازَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُواْ انّ َ اللّهَ مَعَ الصّ َابِرِينَO([1]).

متاسفانه ممالك اسلامي در اعصار گذشته علي رغم برخورداري از امكانات بالقوة وبالفعل مادي و معنوي وقرار گرفتن در موقعيت استراتژيك جغرافيائي وتسلط بر مناطق حسّاس وسوق الجيشي واز همه مهمتر اختصاص بيش از (20 %) جمعيت جهان به خود بخاطر تقابل وكشمكشهاي قومي ومذهبي وجنگ دروني ودر نهايت

عدم وحدت كلمه نتوانسته‌است از اين امكانات وموقعيتهاي گران سنگ در جهت رشد و توسعه همه جانبه اقتصادي وسياسي واجتماعي وتكنولوژيكي استفاده بهينه نمايد چرا كه لازمه رشد وتوسعه يك منطقه ثبات وامنيّت آن است ورسيدن به ثبات وامنيت نيز در سايه تعامل وهمزيستي مسالمت آميز واتحاد ممكن ميباشد كه امت اسلامي از آن بي بهره بوده است ولي از آن سو بعينه مشاهده ميكنيم كه كشورهاي غير اسلامي بويژه غربيها با اينكه از لحاظ تمدن وسابقه تاريخي وموقعيت جغرافيايي وامكانات بالقوّه، ولي در حد واندازه كشورهاي اسلامي نبوده وحتي در بعضي موارد قابل مقايسه با آنها نبودند چگونه توانستند از اين حدّ اقل امكانات حد اكثر بهره‌بري را برده ودر مدت زمان كوتاهي عرصه‌هاي توسعه اقتصادي وسياسي ونظامي وتكنولوژيكي را در نورديده و از كشورهاي اسلامي مسافتها بلكه سالها فاصله گرفتند. مقام معظّم رهبري حضرت آيت ا‌ خامنه‌اي حفظه ا‌ در اين مورد ميفرمايد: عزيزان من، امروز دولتها، كشورها ومجامع، مجموعه‌هاي بين المللي براي اينكه خودرا در عرصة مبارزه زندگي موفق كنند از همه امكانات خودشان ـ امكانات جغرافيايي امكانات تاريخي امكانات قومي استفاده مي‌كنند چرا مسلمانان از اين امكانات موهوب به آنها از جانب پروردگار استفاده نميكنند، امروز منطقه جغرافيايي مسلمانان مهمترين مناطق عالم است، كشورهاي آنها از لحاظ طبيعي جزو ثروتمندترين كشورهاي عالم است، امروز دروازه آسيا به اروپا دروازه اروپا به آسيا و آفريقا دروازه آفريقا به اروپا و آسيا متعلّق به مسلمانان است اين منطقه سوق الجيشي وسرزمينهاي بابركتي كه در اختيار مسلمانان است، امروز حامل وحاوي چيزهايي است كه بشر براي تمدن خود بصورت روزمره به آنها احتياج دارد مانند نفت وگاز، يك ميليارد و چند صد ميليون نفر مسلمانان هستند يعني بيش از مردم دنيا اين همه جمعيّت در چنين منطقه‌اي آنهم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب اين منطقه ـ يعني در ايران اسلامي كه امروز قلب ومركز اصلي دنيا اسلام است چرا ـ بايد از اين استفاده نشود؟ اين يك امكان بزرگ در اختيار مسلمانان است»([2]). ودر كتاب بررسي امكانات مبادلاتي كشورهاي مسلمان متعلق به مؤسسه مطالعات وپژوهشهاي بازرگاني وزارت بازرگاني جمهوري اسلامي ايران ميباشد نيز چنين آمده است:

سرزمينهاي اسلامي از طريق خشكي وآبراهها در مسير عبور به طرف شرق وغرب دنيا قرارگرفته‌اند. اجزاي پراكنده آنها نيز در داخل اقيانوسها وخشكيها هر يك موقعيّت خاصّي دارند بانگاهي بموقعيت جغرافيائي كشورهاي اسلامي ملاحظه ميگردد كه خاور ميانه وشمال آفريقا يكپارچه تحت تسلط آنهاست وآبراههاي جنوب شرقي آسيا نيز در حيطه قدرتشان قرار دارد از آبراههاي معروف كانال سوئز تنگة مالاكا (بين شبه جزيره مالاكا وسوماترا) رابط ميان اقيانوس كبير وهند تنگه‌هاي مابين جزاير اندونزي كه به نسبت موقعيتشان نقش حساسي دارند وتنكة جبل الطارق رابط درياي مديترانه واقيانوس اطلس كه

ساحل جنوبي آن در محدوده كشورهاي اسلامي ميباشد قابل ذكر است ارتباط درياي سياه ومديترانه نيز از طريق دوتنگة بسفر ودار دانل صورت مي‌گردد وراه ارتباطي كشورهاي اروپاي جنوبي ومركزي به درياي مديترانه واز آنجا به ساير نقاط جهان از طريق درياي آدرياتيك ودرياي سياه است. در خليج فارس ودرياي عمان نيز همين وضعيّت ملاحظه ميگردد»([3])، ونيز در كتاب فوق آمده است: منابع طبيعي ومعادن از امكانات بالقوه كشور محسوب ميشوند ودر بلند مدت قادرند توان توليدي جامعه را تحت تاثير قراردهند اكثر كشورهاي اسلامي داراي منابع طبيعي ومعدني وسوختي مهم واساسي هستند كه با بهره برداري آن بطور اصولي قادرند رشد اقتصادي خود را تضمين نمايند اكنون مهمترين منابع طبيعي نفتي، فسفات، مس، روي و 60 در صد كائوچوي طبيعي جهان به اين كشورها تعلق دارد»([4])، واز طرف ديگر از لحاظ وسعت خاكي كشورهاي اسلامي جهان در منطقه‌اي برابر با 19 در صد كل اراضي جهان قراردارند»([5])، با اين توضيحات وقتي كه انسان وضعيت عقب ماندگي رشد وتوسعه كشورهاي اسلامي را با اين همه امكانات ووفور نعمات الهي به ديده تفكّر وتدبّر مينگرد چيزي جز آيه تلاوت شده فوق در ذهن او تداعي نميكند كه خداوند در ضمن آن آيه فرمود: بايكديگر نزاع مكنيد كه در اين صورت بزدل شويد وبرود دولت وقوّت شما وشكيبايي ورزيد هر آينه خداوند باشكيبايان است» چرا كه در اين آيه (فتفشلوا) به ناتواني وغلبه ترس تفسير شده وجملة (وتذهب ريحكم) به معناي هم ضعف وناتواني دفاعي وهم بمعناي از دست رفتن قدرت، مالي واقتصادي تفسير شده است لذا به اين نتيجه مي‌رسيم كه هم عقب ماندگي نظامي وهم اقتصادي هر دو زائيده تفرقه وتشتت است حال بر ما امت اسلامي است كه با مد نظر قراردادن روزگاران تلخ وتراژدي گونه برخورد قوميّتها ومذاهب در جهان اسلام بانگرشي نو وحرمت مدارانه نسبت به برادران ديني چه شيعه وچه سني تلاش مجدانه‌اي را در راستاي تحقق وحدت وتقريب دميدن روح اخوت به پيكرة امت اسلامي. قرن بيست ويكم را قرن اسلام وقرن دوستي ومحبّت بين فرق اسلامي وشكوفايي همه جانبه اقتصادي ونظامي وسياسي وفرهنگي امّت اسلامي به جهانيان معرفي نمائيم وپرواضح است كه دست يابي به چنين هدف مقدّسي (كه انشاء ا با همّت صادقانه‌اي كه رهبريت ومسئولين سياسي جمهوري از جمله رئيس جمهور محترم ايران اسلامي در راستاي تنش زدايي از روابط فيما بين كشورهاي اسلامي بخرج ميدهند اين مهم دور از دست رس نيست) درگرو وظيفه شناسي امّت اسلامي بوثيره علماء وامرا خواهد بود چرا كه رسول گرامي اسلامي o فرمودند: «صنفان من امتي اذا صلحا صلح العالم وإذا فسد فسد العالم» يعني دو گروه از امّت من هستند كه من هستند كه هرگاه اصلاح شوند جهان اصلاح خواهد شد وهرگاه فاسد شوند جهان فاسد خواهد شد با اين مقدّمه مقاله خودرا تحت عنوان اهتمام به وحدت وتقريب از وظايف مهم امّت اسلامي در قرن بيست ويكم در هفت فصل كه حاوي هفت وظيفه مهم امت اسلامي در راستاي تحقق وحدت ميباشد تقديم ميكنم:

1 ـ توسعه دين مداري بعنوان پيش شرط تحقق وحدت وتقريب.

2 ـ گشودن باب گفتگوهاي سازنده بين خواص فرق اسلامي.

3 ـ نهراسيدن رهبران سياسي كشورهاي اسلامي از تحقق وحدت امت اسلامي.

4 ـ انعقاد پيمانهاي دفاعي مشترك بين كشورهاي اسلامي.

5 ـ رسميّت بخشيدن به مصوّبات همايش بين المللي وحدت از طريق سازمان كنفرانس اسلامي.

6 ـ ترويج فرهنگ حرمتمداري در نوشتارها.

7 ـ برقراري ارتباطات دانشگاهي وحوزوي بين كشورهاي اسلامي.

1 ـ توسعه دين مداري بعنوان پيش شرط تحقق وحدت وتقريب

ما بايد به اين واقعيّت اذعان نمائيم آنچه كه در وحله اول عامل انس والفت ونزديكي قلبها در يك جامعه ميشود و در انسانها نسبت به يكديگر جاذبه ايجاد كرده وباعث محبّت ودوستي ميگردد، ديانت ودين مداري است چرا كه خداوند در قرآن كريم ميفرمايد:

Pان َّالـ َذ َّينِ َآم ُنوا َو َع ِمـلُوا الص َّالـ َحـ َات ِس َيـ َجـ ْع َلـ ُهـ ُم الـر َّحـ ْم َنـ ُو ًّدا([6]).

همانا آنانكه بخدا ايمان آوردند ونيكوكار شدند خداي رحمان آنها را در نظر خلق وحق محبوب ميگرداند([7]). همچنين خداوند متعال فرمودند:

ْوا ُنَآم َينِذَّالا _ َونُنَزْحَي ْمُه َلاَو ْمِهْيَلَع ٌفْوَخ َلا ِهَّاللا َءاَيِلْاو َّانَّإلا
وَكَانُواْ يَتَّقُونَ _ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَياةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ...0 ([8]).

آگاه باشيد كه دوستان خدا هرگز هيچ ترس (از حوادث آينده عالم) وهيچ اندوهي (از وقايع گذشته جهان در دل آنها نيست آنان اهل ايمان وخدا ترس هستند آنها را از خدا پيوسته بشارت است هم در حياة دنيا (بمكاشفات) در عالم خواب وهم در آخرت بنعمتهاي بهشت» ([9]).

گرچه بشارت ومژده دنيوي آيه به رؤياي صالحه وصادقه كه فرد يادیگري به سود ايشان ميبيند تفسير شده است ولي بعضي از مفسّرين اين مژدگاني دنيوي را كه بواسطه دين مداري نصيب انسان مؤمن ميشود به دوستي ومحبت خلق تفسير كردند وگفته‌اند هرگاه بنده به عبادت خداوند متعال مشغول ميشود قلب ايشان متنوّر گرديده واز نولبريز ميشود سپس از اين نوري كه در قلب اوست به سيماي ايشان بروز كرده نمايان ميگردد وبرچهره او نيز آثار تواضع وفروتني آشكارگرديده همه انسانها نسبت به ايشان دوستي ومحبت پيدا مينمايند واورا ستايش ميكنند واز سوي ديگر اين ديانت ودين مداري است كه انسانها را تعامل وهمزيستي همراه با حرمتمداري با همنوعان توصيه ميكند وآنها را از هر نوع تعدّي به حقوق سياسي اجتماعي وعقيدتي ديگران بر حذر ميدارد چرا كه اسلام حفظ حرمت انسان را از حفظ حرمت خانه خدا وكعبه برتر وواجب تردانسته‌است همچنانكه از عبدا بن عمر(رض) روايت است كه ايشان روزي به كعبه نظر انداخته وگفتند:

«ما اعظمك واعظم حرمتك، والمؤمن اعظم حرمة منك» ([10]). يعني اي كعبه چقدر تو بزرگ هستي وچقدر حرمت وكرامت تو عظيم وبزرگ است ولي بدان كه انسان مؤمن از توهم حرمتش بزرگتر وعظيم‌تر است.

لذا اگر بخواهيم توفيقي در جهت تحقق وحدت وتقريب امّت اسلامي بدست آوريم چاره‌اي جز تقويت ايمان

وتوسعه دين مداري (جداي سنّيت وشيعيّت افراد) نداريم همچنانكه رئيس جمهور محترم جمهوري اسلامي ايران جناب آقاي خاتمي فرمودند:

«مهمترين عامل وحدت بخش ديانت جامعه است» ([11])، ودين مداري نه تنها پيش شرط تحقق وحدت والفت در يك جامعه است بلكه موفقيت توسعه اقتصادي وسياسي وفرهنگي جامعه نيز منوط به ارتقاء سطح دين مداري در آن جامعه است چون بگفته رئيس جمهور محترم جمهوري اسلامي ايران اين دين است كه سعادت واقعي بشر در دنيا وآخرت را تامين ميكند وزندگي بدون دين زندگي بي روحي است([12]).

ولي با اين وجود متاسفانه امروزه باندازه‌اي كه از توسعه اقتصادي وسياسي وغيره سخن بميان مي‌آيد از توسعه دين مداري وتقويت باورهاي ديني مردم بويژه قشر جوان وتحصيل كرده سخن بميان نمي‌آيد، بايد از اين مسئله غافل باشيم كه اگر در گذشته نگرش يكسوگرايانه وتك بعدي به دين مداري منهاي سياست واقتصاد ضربات مهلكي برپيكره امت اسلامي وارد كرده است امروز هم اگر اصرار بر توسعه اقتصادي وسياسي بدون توجه به توسعه دين مداري روند افراطي وتك بعدي خود را بپيمايد نتيجه‌اي جز فقر وتنگدستي وهرج ومرج وجنگ قدرت براي جامعه اسلامي نخواهد داشت چرا كه عرصه‌هاي اقتصادي ورقابت‌هاي سياسي اگر همراه با دين مداري واحساس مسئوليت به درگاه خالق يكتا نباشد به جنگ ازدياد ثروت وكسب (بيشتر) قدرت تبديل شده وموجبات ايجاد تنش ونا امني وفقر معيشتي را در جامعه فراهم ميسازد وملموس ترين دليل بر اثبات اين مدّعا سرنوشت خفت بار شوروي سابق ميباشد كه چگونه پس از 70 سال جنگ با خالق يكتا وزدودن نور ايمان ودين مداري از جامعه توسط كمونيستهاي محارب باخدا از درون فروريخته ومتلاشي شد وثمره‌اي جز فقر مضاعف وعقب ماندگي اقتصادي براي مردم به جاي نگذاشت لذا شايسته است كه با در نظر قراردادن تجربه تلخ دين ستيزي در قرون گذشته در جهت نهادينه كردن دين مداري در جامعه اسلامي تلاش مضاعف نمائيم.

2 ـ گشودن باب گفتگوهاي سازنده بين خواص فرق اسلامي

بنظر من اكثر بديني‌ها وانگاره‌هاي منفي فرق اسلامي نسبت به پندارهاي فقهي وكلامي يكديگر در نتيجه دوري وعدم شناخت كافي از پنداشتهاي ديني طرفين پديد مي‌آيد والاّ همه انسانها در اصل فطرت وخلقت از يك جوهر ويك گوهرند همچنانكه سعدي رحمت ا‌ عليه مي‌گويد:

بني آدم اعضاي يكديگرند___ كه در آفرينش زيك گوهرند ([13]).

چو عضوي بدرد آورد روزگار ___ دگر عضوها را نماند قرار

ونيز از رسول اكرم o روايت است كه فرمودند:

«الارواح جنود مجنّدة فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف» ([14]).

(ارواح لشكريان مجتمعي هستند كه هر كدام از آنها با هم شناخت پيدا كنند مالوف ميشوند و هر كدام كه باهم شناخت پيدا نكند اختلاف پيدا ميكند).

مفسّرين در تبين و تفسير اين حديث شريف تعابير گوناگوني ارائه دادند كه تقريبا با هم همگوني دارند وآن اينست كه ارواح انسانها لشكريان سازمان يافته‌اي هستند كه اكر هركدام از آنها در عالم روح نسبت به هم شناخت ومعرفت پيدا كرده‌اند در عالم خلق وجسم باهم الفت ودوستي مي بابند اگرهر يك از آنها كه در عالم روح نسبت به يكديگر شناخت ومعرفت پيدا نكرده‌اند در عالم خلق وجسم باهم اختلاف پيدا ميكنند يعني همه اختلافات واختراقات ويا مودت ودوستي‌ها را در عالم حياة دنيوي به معرفت ويا

عدم معرفت نسبت به يكديگر در عالم امر يا عالم روح منوط ميكنند ولي اينجانب با احترام كامل نسبت به اين مفسّرين محترم برداشت نو و جديدي از اين حديث مينمايم برداشتي كه گمان ميكنم درك آن براي انسانهاي امروزي ملموس تر و با واقعيتهاي موجود در جوامع بشري همگون تر باشد.

وآن اينست كه معناي حديث فوق بدين شكل است كه ارواح انسانها در اصل يك لشكر واحد هستند كه هر كدام از آنها در حيات دنيوي نسبت به يكديگر شناخت ومعرفت پيدا كردند باهم دوست ومالوف ميشوند وهر كدام ازآنها كه در حياة بشري نسبت به همديگر معرفت وشناخت پيدا نكنند باهم اختلاف و دودستگي پيدا ميكند يعني لازمه دوستي والفت آشنايي وشناخت نسبت به يكديگر است ولازمه دشمني واختلاف، دوري وعدم شناخت از يكديگر است لذا اينجانب كه مقولة ارتباطات نزديك وگفتمان اهميّت تعيين كنندة خود را نمايان ميسازد چرا كه بنده معتقدم بسياري از بدينيها وبسياري از شبهاتي كه از جانب برخي مذاهب اسلامي نسبت به برخي ديگر در باب مسائل گوناگون اعتقادي وفقهي وكلامي بعنوان خلاف دين مبين اسلام وحتي نعوذ با موجب تكفير مطرح وشايع ميگردد وموجبات تنش وتقابل فرق اسلامي را فراهم ميسازد در نتيجه همين عدم ارتباط وگفتمان دو جانبه ودر نهايت عدم شناخت ومعرفت نسبت به پنداشتهاي يكديگر از مسائل اعتقادي وفقهي ناشي ميشود چرا كه اگر اين گونه شبهات بواسطه ارتباط وگفتگو به دقّت ريشهيابي گردند، معلوم ميشود كه اين گونه شبهات در مذهب مورد اتهام، سنديّت نداشته واساسا مردود بوده است وطرح وشيوع آن نيز يا ناشي از سوء برداشت وعدم شناخت نسبت به ديدگاه مذهب مورد نظر بوده ويا اينكه اصولا اينگونه شبهات از جانب مستكبرين ومستعمرين جهت دامن زدن به اختلافات فرقهاي وشعله وركردن آتش افتراق وتشتت در بين مذاهب اسلامي وبهرهبري سياسي واقتصادي طرح وشايع گرديدهاست.

همچنانيكه در كتاب ([15])، خاطرات همفر جاسوس انگليسي در ممالك اسلامي چنين آمده است كه يكي از وظايف مهم او عبارت بود از: دامن زدن به اختلافات مذهبي با ايجاد حس بدگماني وسوء ظن در ميان مسلمين شيعه وسنّي بانگارش مطالبي اهانت آميز وتهمت انگيز از سوي هرگروه نسبت به گروه ديگر وخودداري نكردن از صرف هزينههاي سنگين در اين راستا و پرواضح است كه تنها چارة رفع اين شبهات وخاموش كردن شعله اينگونه فتنهها وجلوگيري از اثرات مخرّب آن در از هم گسيختن صفوف بهم فشرده مسلمين از طريق همين مقوله گفتمان وگشودن باب گفتگوهاي سازنده بين خواص فرق اسلامي ممكن مينمايد لذا از آنجائيكه بحمد ا سال دو هزار ويك به پيشنهاد رئيس جمهور محترم جمهوري اسلامي ايران از سوي

سازمان ملل بعنوان سال گفتگوي تمدّنها اعلام گرديده جادارد كه اين مسئله در بُعد داخلي جهان اسلام نيز بعنوان راهكاري نو ومؤثر در راستاي رفع شبهات وتحقق وحدت وتقريب بين فرق اسلامي مورد توجه علماء وانديشمندان جهان اسلام قرارگيرد.

3 ـ نهراسيدن رهبران سياسي از تحقق وحدت امّت اسلامي

متاسفانه يكي از علل وجودي تفرقه در جهان اسلام همانا هراس رهبران سياسي از تحقق وحدت امت اسلامي بوده است زيرا چه بسا حاكماني بقاي حكومت خويش را در گرو ايجاد تفرقه و دو دستگي وعمل به تز باطل «تفرقه بيانداز و حكومت كن» دانسته با تشديد اختلافات قومي وفرقه‌اي مردم پاك طينت را به جان هم انداخته زمينه انحطاط وعقب ماندگي اقتصادي وفرهنگي ونظامي امت اسلامي را فراهم ساختند ودر نتيجه هم خود نابود شده وهم موجبات نابودي مردمان بي گناه را مهيا نمودند ومتاسفانه در حال حاضر نيز اين تز (تفرقه بيانداز و حكومت كن) بعنوان ابزاري مؤثر جهت اعمال سلطه توسط كشورهاي غربي بين ممالك اسلامي مورد استفاده قرار ميگيرد چرا كه سردمداران اين كشورها با خطرناك جلوه دادن بعضي از كشورهاي اسلامي نسبت به بعضي ديگر باعث ايجاد تنش وبدبيني بين كشورهاي اسلامي ميشوند و در نتيجه سرزمينهاي اسلامي پخصوص خارومیانه را به جولان‌گاهي براي اجراي سياستهاي استعماري وآزمايش اسلحه‌هاي ساخته خود تبديل ميكند وبه بهانه برگذاري، مانورهاي مشترك نظامي كشورهاي اسلامي منطقه را متحمل هزينه‌هاي هنگفت ميلياردي ميكنند و از طرف ديگر با خطرناك جلوه دادن برخي حكومتها نسبت به برخي ديگر ميلياردها دلار از طريق فروش اسلحه ومهمات وهواپيماهاي جنگي بدست مي‌آوردند ونتيجه اين ميشود كه بين كشورهاي اسلامي ديوار ضخيمي از بدبيني وبي اعتمادي ايجاد شده واين كشورها بجاي اينكه درآمدهاي ساليانه خودرا صرف ايجاد تاسيسات زيربنايي ويا توليدي نمايند به هراس از حمله فلان كشور غالب در آمدهاي خود را جهت خريد اسلحه ومهمات ميكنند ودر نتيجه هم باعث سلب امنّيت وآرامش از منطقه شده وهم سبب زمين گير شدن ويا كند شدن روند رشد اقتصادي كشورهاي اسلامي ميگردند (نمونة بارز آن رشد توليدات غير نفتي عربستان سعودي بوده كه از بيست در صد در طول پنج سال به چهل وچهار در صد رشد داشته ولي بخاطر وقوع حمله نظامي عراق به كويت وورود اين كشور به اين درگيريها اين روند رشد متوقف شده است) ([16]).

ونه تنها اسباب استحكام پايه‌هاي حكومت خويش را فراهم نمي‌سازند بلكه در پي گشودن پاي بيگانگان به سرزمينهاي اسلامي احساسات پاك ملتهاي اسلامي را عليه خود بر مي‌انگيزند وزمينه‌هاي بدبيني وحتي قيام امت اسلامي و تزلزل پايه‌هاي حكومت خود موجب ميگردند در حاليكه اگر اين كشورها به جاي گشودن پاي بيگانگان به سرزمين‌هاي اسلامي كه جداي از تبعات سياسي همچون ايجاد رعب، وحشت و تنش بين همسايگان وملتهاي مسلمان تبعات نفوذ فرهنگ ابتذال غرب را نيز بهمراه دارد به برقراري ارتباط وروابط دوستانه وبرادرانه همراه باحسن همجواري باكشورهاي همسايه مبادرت ورزند ميتوانند بجاي صرف هزينه‌هاي سنگين جهت تجهيز ماشين جنگي خود با خاطري آسوده واطمينان در جهت رشد وتوسعه ورسيدن به شكوفايي اقتصادي ونيل به خودكفائي سرمايه گذاري كرده وحكومت خويش را استحكام بخشند واز آن طرف در قلوب مسلمين، محبوب قرار گيرند همچنانيكه مصلح زمان امام خميني رحمت ا عليه. بانداي «يا ايها المسلمون اتحدوا اتحدوا» ودعوت به اخوت وبرادري انقلاب اسلامي را در ايران اسلامي به پشتوانه اتحاد مردمي به پيروزي رسانده وحكومت اسلامي را در جمهوري اسلامي ايران پايه گذاري نمودند ونه تنها از تحقق وحدت امت چه در بعد داخلي و چه در بعد خارجي متضرر نشدند بلكه بواسطة منادي وحدت بودن در قلوب ملت اسلامي ايران وفراتر ازآن در قلوب امت اسلامي وفراتر از آن در قلوب انسانهاي آزاديخواه جهان جاگرفتند وبر خلاف بعضي از رهبران سياسي كه برابدان انسانها حكومت ميكردند ايشان بر قلوب مردم وامّت اسلامي حكمراني كردند واين نوع حكومت است كه جاودانه وماندگاراست چرا كه هنوز است وبا گذشت يك دهه از رحلت ايشان شيفته گان آن حضرت در جاي جاي امّت اسلامي در قيامهاي انقلابي خود ايشان را اسوه والگوي خويش قرار ميدهند، باشد كه دولتمردان اسلامي نيز با الگو قرار دادن سيرة ايشان در شيوه حكومتي خود در جهت تحقق وحدت والفت بين امّت اسلامي تلاشي جدي نموده واز عينيّت يافتن وحدت امت اسلامي كوچكترين هراسي به دل راه ندهند چرا كه اين وحدت وبرادري است كه به حكومتهاي اسلامي قدرت وشوكت واستقلال وآزادي از يوق سلطة مستكبرين را به ارمغان مي‌آورد وآنها را از وابستگيهاي اقتصادي نظامي وسياسي نجات ميدهد.

4 ـ انعقاد پيمانهاي دفاعي مشترك بين كشورهاي اسلامي

از جمله همكاريهايي كه ميتواند پايه‌هاي اخوّت وبرادري امّت اسلامي را استحكام بخشيده وزمينه را براي بازگرداندن عزّت وشوكت به جهان اسلام وايجاد امت واحده اسلامي قدرتمند آماده سازد انعقاد پيمانهاي دفاعي مشترك بين كشورهاي اسلامي ودر صورت امكان سازمان دهي نيروي نظامي مشترك بنام پيمان امت ويا هر عنوان ديگر وانجام مانورهاي مشترك دريايي وزميني وهوايي ميباشد كه اين امر ميتواند نقش بسيار حياتي وتعيين كننده‌اي در توازن قدرت در جهان بسوي تك قطبي شدن امروز داشته باشد وبهانه را از حضور گستردة نيروهاي بيگانه در سرزمين هاي اسلامي سلب نمايند وثبات وامنيّت منطقه را با بهره گيري از نيروهاي خودي وبا كمترين هزينه وبدون تبعات جانبي تامين نمايند.

5 ـ رسميّت بخشيدن به مصّوبات همايش بين المللي وحدت از طريق سازمان كنفرانس اسلامي

اينجانب از آنجائيكه بياد دارم در طول تقريبا شش كنفرانس كه در كشور اسلامي ايران برگزار شد شركت نمودم مصوّبات بسيار ارزنده‌اي در رابطه با وحدت و تقريب مذاهب اسلامي در اين همايش ها توسط انديشمندان برجسته شركت كننده جهان اسلام به تصويب رسيد ولي متاسفانه از آنجائيكه اين مصوبات از يك پشتوانه قانوني واجرايي برخوردار نبود همگي در حد يك شعار وطرح باقي ماند واثرات آنچنان مطلوبي كه بايد برافكار عمومي پيروان مذاهب اسلامي ميگذاشت برجاي نگذاشت لذا اينجانب پيشنهاد ميكنم با توجه با ينكه هزينه‌هاي سنگيني در جهت برگزاري اينگونه همايش ها ميشود و بعضا نيز از اين جهت مورد انتقاد قرار ميگيرد مصوبات اين گونه همايش ها را جهت رسميّت بخشيدن به سازمان كنفرانس اسلامي ارائه كنيد تا دست اند ركاران اين سازمان نيز طي نشستي حتي الامكان در حد وزراي خارجه اين مصوبات را به بحث وتبادل نظر گذارده وبه تصويب نهائي برساند تا انشاء ا تصميمات متخذه در اين همايش‌ها وجاهت قانوني پيدا كرده واثرات مطلوبي در رستاي ايجاد وحدت واخوّت برجاي گذارد.

6 ـ ترويج فرهنگ حرمت مداري در نوشتارها

در مورد حرمت وكرامت وقداست قلم وقلم فرسايي اين نكته بس كه خداوند متعال در قرآن كريم از آن همراه با قسم ياد كرده است: «ن والقلم وما يسطرون» قسم به نون كه نام نوريا لوح نورخداست وقسم به قلم وآنچه خواهد نگاشت واين حاكي از عمق عظمت وكرامت وحرمت قلم وقلم فرسايي از ديدگاه اسلام است همچنانيكه خداوند متعال در آيه ديگر از قلم وقدرت نوشتاري در انسان بعنوان كرامتي ياد كرده كه از جانب خود به ايشان عطا نموده است: Pاقْرَا وَرَبُّكَ الاكْرَمُ _ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ _ عَلَّمَ الانسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ0 بخوان قرآن را وپروردگار تو كريمترين كريمان عالم است، خدائي كه بشر را علم به نوشتن به قلم آموخت وبه آدم آنچه را نميدانست بالهام خود تعليم داد. پس قلم وقلم فرسايي نه تنها خود از جانب پروردگار از حرمت وكرامت خاصي بر خوردار ميباشند بلكه مايه حرمت وكرامت انسان نيز هستند بشرطي كه اين حرمت وكرامت از جانب او نگاه داشته شود ولي متاسفانه ما ميبينيم كه چگونه اين حرمت وكرامت بعضا از جانب برخي نويسندگان ونقادان هتاكي ودريده ميشود چرا كه متاسفانه اينگونه نويسندگان بجاي اينكه براي اثبات مدّعاي خود از شيوه‌هاي مثبت پيروي كنند راههاي منفي وافراط گرايانه را برگزيده با شمشير هتاكي بر ديدگاهها ومعتقدات مذاهب اسلامي ديگر كه بعضي از آن معتقدات از مقدسات آن مذهب شمرده ميشود ميتازند حتي در برخي موارد نعوذ با تاحد تكفير مذهب مورد نقد نيز پيش ميروند وبدين سان تنش‌ها وجالش هاي فرقه‌اي را در درون امت اسلامي شعله ورميكنند واسباب افتراق وتشتت جهان اسلام را فراهم ميسازند چرا كه به جرات ميتوان ادعا كرد كه از اساسي ترين عوامل تفرقه وتقابل فرقه‌اي همانا افراط وتعدّي برخي از نويسندگان ونقادان در بررسي ونقد ديدگاهها وپندارهاي فرق اسلامي از طريق تاليف كتب وانتشار مقالات ميباشد واز آن سو نيز ميتوان مدعي شد كه تحقق وحدت واصلاح ذات بين امت اسلامي نيز در گرو همين قلم وقلم فرسايي است كه اگر همراه با حفظ حرمت وكرامت ورعايت حدود الهي باشد زيرا كه از بعضي از حكما نقل شده است كه گفتند: «قوام امور الدين والدنيا بشيئين القلم والسيف والسيف تحت القلم لولا القلم لما قام دين ولا صلح عيش» ([17])، قوام پايداري دين ودنيا با دو چيز است يكي قلم وديگري شمشير وبقاي شمشير نيز در سايه قلم است واگر قلم نبود نه ديني پابرجابود ونه صلح وهمزيستي لذا جهت ترويج فرهنگ حرمت مداري وجلوگيري از تعدّي وافراط در بررسي ونقد ديدگاههاي فرق اسلامي پيشنهادات ذيل ارائه ميگردد:

1 ـ معرّفي وتشويق مؤلفين ونويسندگاني كه در نوشتارهاي خود حرمت مدارانه با پندارهاي مذاهب ديگر بر خورد كردند.

2 ـ تشكيل كميته‌هاي نظارت بر رعايت حرمت مداري با عضويت انديشمندان كشورهاي اسلامي.

3 ـ وضع قوانين بازدارنده از تعدّي وافراط در نوشتارها نسبت به پنداشتهاي مذهبي فرق اسلامي توسط مراكز قانون گذاري كشورهاي اسلامي.

7 ـ برقراري ارتباطات دانشگاهي وحوزوي بين كشورهاي اسلامي

از جمله راهكارهايي كه ميتواند در تحقق وحدت وتقريب بين فرق اسلامي نقش تعيين كننده‌اي ايفانمايد همين برقراري ارتباطات علمي وآموزشي وهمكاريهاي تحقيقاتي بين طلاب علوم ديني ودانشجويان ميباشد امري كه ميتواند هم اسباب رشد وتوسعه علمي وپژوهشي وهم موجبات تاليف قلوب بين دانش پژوهان مسلمان كه انديشمندان آينده جهان اسلام هستند فراهم سازد بدين طريق كه هرزگاهي گروهي از دانشجويان وطلاب علوم ديني باهماهنگيهاي مسئولين آموزش عالي كشورهاي اسلامي به عنوان اردوهاي آموزشي وپژوهشي مدتي را جهت بازديد از مراكز علمي ودانشگاهي وحوزوي كشورهاي اسلامي وتشكيل ميزگردهاي علمي بين دانشجويان وطلاب اختصاص دهند وضمن اينكه از تجربيات علمي وتحقيقاتي يكديگر استفاده‌هاي بهينه ميبرند از ديدگاههاي اعتقادي ومذهبي يكديگر. آشناشده وبسياري از شبهات و پنداشتهاي منفي را كه در پي دوري وفراق در بين مذاهب اسلامي ايجاد شده را بر طرف نمايند حال اينجانب جهت اثبات اين مدّعي به نمونة بارزي از موفقيّت آميز بودن اينگونه ارتباطات به اجمال اشاره ميكنم.

چند سال پيش وبه دعوت وزارت امور خارجه جمهوري اسلامي ايران گروهي از دانشجويان رشته زبان فارسي دانشگاه فحتومقامي فراغي كشور اسلامي تركمنستان براي گذراندن اردوي آموزشي وسياحتي به شهرستان گرگان در استان گلستان آمدند و نتيجه اين شد كه اين گروه شصت نفري بعد از 50 روز با شركت در كلاسهاي فشرده آموزش زبان فارسي وقرآن كريم كه به همّت مسئولين جمهوري اسلامي ايران وبا همكاري نماينده معزّز ولي فقيه در استان گلستان حضرت آيت ا نوري مفيدي وبهره گيري از اساتيد مجرّب ادبيات زبان فارسي تشكيل شده بود در اين مدت كوتاه توانستند تا اندازه‌اي به مكالمه وكتابت وحتي انشاء زبان فارسي وقرائت قرآن كريم تسلط يابند بطوريكه تمام برنامه‌هاي اختتاميه از قبيل اجراء وقرائت قرآن وخير مقدم گويي به ميهمانان توسط خودايشان صورت گرفت امري كه تعجب همگان از جمله اينجانب برانگيخت چرا كه وقتي با معيّت رياست محترم دفتر نماينده ولي فقيه در استان گلستان به استقبال ايشان رفتم بجز مسئول اين گروه كه گويا دكتر اي ادبيات فارسي داشت كسي از ايشان قادر به تكلم به زبان فارسي نبود. لذا شايسته است مسئولين آموزش عالي وحوزه‌هاي ديني كشورهاي اسلامي به اين مسئله بعنوان عامل مهم تحقق وحدت وتقريب وتوسعه علمي همّت گمارند. پايان

([1]). الانعام46.

([2]). بيانات مقام معظم رهبري در ديدار با ميهمانان دهمين كنفرانس بين المللي وحدت، نقل از اخبار تقريب (9).

([3]). بررسي امكانات مبادلاتي كشورهاي اسلامي صفحه 7.

([4]). بررسي امكانات مبادلاتي كشورهاي اسلامي صفحه 18.

([5]). بررسي امكانات مبادلاتي كشورهاي اسلامي صفحه 18.

([6]). طه 96.

([7]). الهي قمشهاي (قرآن ترجمه دار).

([8]). يونس 62 ـ 64.

([9]). الهي قمشهاي.

([10]). الحلال والحرام فى الاسلام.

([11]). سخنراني حجت الاسلام والمسلمين خاتمي در مراسم افتتاحيه اولين دورة شوراهاي اسلامي تهران ـ شبكه 1، 9 ارديبهشت.

([12]). سخنراني رئيس جمهور در آغاز بكار اولين دوره شوراهاي اسلامي در جمهوري اسلامي ايران شبكه 1، 9 ارديبهشت.

([13]). نقل از تفسير روح البيان جلد 3.

([14]). مرفاة شرح مشكاة ، جلد 4 ، صفحه 704.

([15]). كتاب خاطرات همفرجاسوس انگليس در كشورهاي اسلامي.

([16]). بررسي امكانات مبادلاتي كشورهاي مسلمان صفحه 283.

([17]). تفسير روح البيان ج 10 صفحه 102.